

حسینیه‌واره‌ها ۱۱۱

از کودکی با «یا حُذَین» در دلمان حسینیه ساختیم

- در میان - اوه‌های زندگی کردن لُغوش است

کریمی خانوادگی، خانواده کربلایی

www.ketab.ir



حسینیه واره‌ها ۱۱۱

نویسنده: محسن عباسی ولد
ویراستار و مشاور ادبی: زهیر توکلی
مدیر هنری و طراح جلد: سید حسن موسی زاده
ناشر: آیین فطرت
چاپ: ناشر و هماهنگی پخش: ۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱
لینوگرافی چاپ و صحافی: عمران
نوبت چاپ: دوم / تابستان ۱۴۰۳
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان
 با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی
 یا ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی
 کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.
www.ketabefetrat.com
سامانه پیامکی ناشر: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰
کلیه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: حسین بن علی (ع)، ۱۳۵۵ -
 در میان روضه هایت زندگی گروهی حسین بن علی (ع)
 نویسنده: محسن عباسی ولد
 ویراستار و مشاور ادبی: زهیر توکلی
 مشخصات نشر:
 قم: انتشارات آیین فطرت، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
 فروست: حسینیه واره‌ها کربلای خانوادگی،
 خانواده کربلایی ۱.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۱-۵۷-۴-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ ق.
 موضوع: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, ۶۲۵-۶۸۰
 موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ ق -- فضایل
 Virtues Hosayn ibn 'Ali, Imam III, ۶۲۵-۶۸۰
 موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق.
 موضوع: Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, ۶۸۰
 رده بندی کنگره: ۴۱۴pb
 رده بندی دیویی: ۳۵۹/۷۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۷۰۳۲۰

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	تو چرا بخشیدی و من چرا نمی بخشم حسین؟
۱۹	بچه ها نهال بازی را دوست دارند.
۲۹	آزادی نیاز است به یادده خواهی نیست.
۳۵	چه قدر فاصله بین تربیت ما تا تربیت شما، حسین!
۳۹	ما را ببخش به خاطر همه آسمان آسمان، حسین!
۴۵	کاش معنای «دخترها پدری هستند» را فهمیدیم!
۵۱	چرا این قدر صبوری رباب؟!
۵۷	بین چه قدر خانواده باران است کربلای حسین!
۶۵	ای امتداد حبیب خدا در کربلا! کمی بیشتر بمان پیش بچه ها
۷۳	خوش به حالت که نماد بندگی شدی در کربلا!
۸۱	اگر دین ندارید، آزاده باشید.
۸۷	سپر بلای بچه های حسین! سپر بلای بچه های من هم می شوی؟
۹۳	بچه ها لطیف اند، لطیف تر از برگ گل.
۱۰۱	بچه ها بهانه می گیرند. بهانه گیری، عیب بچه ها نیست.
۱۰۷	زینب علیها السلام چه خوب نشان داد، فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام را در کربلا.
۱۱۵	سواری دادن به بچه ها، هم رنگ شدن با رسول خداست.
۱۱۹	آب بازی، آبادی روح بچه هاست.
۱۲۵	دل بچه ها که می لرزد، آسمان تَرک بر می دارد.
۱۳۳	کوچک دیدن کارهای بزرگ، کار کربلایی هاست.

مقدمه

حسین جان! منم می به پای روضه‌های تو نشستیم و اشک ریختیم. با توهای من کشیدیم و سینه زدیم. پرچم‌های تو را در هوا چرخانیدیم و به سر زدیم. زنی صورتمان کشیدیم؛ اما کاش معلوم می‌شد کی وقت زندگی کردن با روضه‌های تو می‌رسد؟

اشک‌هایی که برای تو می‌ریزیم، باید به صورت بویش کربلا در متن زندگی‌مان بشود. از آه‌هایی که برای تو می‌کنیم، باید پناهگاه‌هایی بسازیم که کودکانمان در دل آنها آرام بگیرند. سینه‌ای که در عزای تو سرخ می‌شود، هیچ کینه‌ای از هیچ مؤمنی در خود جای نمی‌دهد. باید یاد بگیریم زیر سایه پرچم تو زندگی کردن را. چه خوب که صورت‌هایمان را با پرچم تو تبرک می‌کنیم؛ اما چه قدر لحظه لحظه زندگی‌هایمان نیازمند متبرک شدن به خودت‌توست!

دلم می‌خواست از تو بنویسد. دل‌نوشته‌ها بنای جوشش کردند. این بار برای دلم شرط گذاشتم. گفتم اگر می‌خواهد از کربلا بنویسد، روضه‌هایی بنویسد که بتوانم با آنها زندگی کنم. دلم پذیرفت. من هم آزادش گذاشتم. روضه‌هایی نوشت که هم بوی زندگی می‌دهند و هم رنگ کربلای تو را دارند.

حالا که روضه‌ها را نوشته‌ام، می‌بینم چه خوب می‌شود در

میان روضه‌های تو زندگی کرد. همه زندگی، یادآور روضه‌های
توست. با این روضه‌ها می‌شود دائم الذکر بود: همیشه به یاد
تو و کربلای تو.

وقتی در متن روضه‌های تو زندگی می‌کنم، حال و هوایم چه
قدر فرق می‌کند با وقتی که روضه‌ها را در حاشیه زندگی می‌شنوم.
تا به حال روضه‌ها را شنیده‌ام و حالا می‌خواهم با آنها زندگی
کنم. زندگی با روضه‌ها کار هر کسی نیست. نگاه لطف تو اگر
نباشد، زندگی با روضه‌ها مقدور نیست.

مثل همیشه التماس می‌کنم باران نگاه لطفت را از من
دریغ نکن. باز هم بیچاره توأم؛ اما بیچاره‌تر از همیشه. بیار بر من
حسین جان!

قم: شهر بانوی کرامت

بهمن ماه ۱۳۹۸

محسن عباسی ولدی

www.ketab.ir